

از کجا معلوم؟

نویسنده: غادره صالح

www.ketab.ir

سرشناسه: خلیفی، عادلہ، ۱۳۶۲

عنوان و نام پدیدآور: از کجا معلوم؟ نویسنده عادلہ خلیفی

مشخصات نشر: تهران: انتشارات چک، ۱۳۹۲

مشخصات ظاهری: ۱۰۳ ص.

فروست: مجموعه داستان‌های اتاق تجربه

شابک: ۶۲-۶۳۱۶-۹۷۸-۶۰۰-۰

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

موضوع: داستان‌های کوتاه فارسی - قرن ۱۴

رده بندی کنگره: ۱۳۹۲ الف ۱۹۲ PIR۸۳۴۲

رده بندی دیوبی: ۸۴۳/۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۵۷۴۵۴۷



نشر چک

از کجا معلوم؟

مجموعه داستان‌های اتاق تجربه

نویسنده: عادلہ خلیفی

ویراستار: علیرضا جوزدانی

میر هنری و طراح جلد: حسین صافی

صفحه آرائی: فائزہ گرجی

مدیر تولید: علیرضا صدقی

ناشر: نشر چک

صحافی: کارنگ

اول: ۱۳۹۳

شماره: ۱۱۰

شابک: ۶۲-۶۳۱۶-۹۷۸-۶۰۰-۰

نشانی انتشارات: تهران، خیابان دکتر بهشتی

چهارراه سهروردی، خیابان کاوسی فر، کوچه تکیه

پلاک ۳ طبقه همکف

صندوق پستی: ۱۶۹۱-۱۳۱۴۵

تلفن: ۸۸۵۴۷۲۹۵-۸

نمابر: ۸۸۵۴۷۲۹۹

نشانی الکترونیکی: www.chekkehpub.com

info@chekkehpub.com

۹	برگ اول خانم سوسوی باید تا قبل از مسابقه آرایشگرش را عوض کند
۱۳	برگ دوم خانم سوسوی باید کتبه سیاه می شود
۱۷	برگ سوم خانم سوسوی باید شبتاب برای همه ضرر دارد
۲۱	برگ چهارم خانم سوسوی باید چه کار دورغ می گوید؟
۲۵	برگ پنجم خانم سوسوی باید چه کار دورغ می گوید؟
۲۹	برگ ششم خانم سوسوی باید خانوان سوسوی با چه خبر است؟
۳۳	برگ هفتم خانم سوسوی باید خانوان سوسوی با چه خبر است؟
۳۷	برگ هشتم خانم سوسوی باید خانوان سوسوی با چه خبر است؟
۴۱	برگ نهم خانم سوسوی باید مراقب بود
۴۵	برگ دهم خانم سوسوی باید قفل سیاه یا وانیل
۴۹	برگ یازدهم خانم سوسوی باید چه کسی به نفع چه کسی است؟
۵۳	برگ دوازدهم خانم سوسوی باید انسان ها به حشره ها کمک می کنند
۵۷	برگ سیزدهم خانم سوسوی باید خانوان سوسوی به دین مارمولک می رود
۶۱	برگ چهاردهم خانم سوسوی باید جلسه تشکیل می شود
۶۹	برگ پانزدهم خانم سوسوی باید گروه ناظر بر مسابقه چه کسانی هستند؟
۷۵	برگ شانزدهم خانم سوسوی باید آقای سوسوی کجاست؟
۷۹	برگ هجدهم خانم سوسوی باید خانوان سوسوی به کجاست؟
۸۳	برگ نوزدهم خانم سوسوی باید خانوان سوسوی به کجاست؟
۸۷	برگ بیستم خانم سوسوی باید خانوان سوسوی به کجاست؟
۹۱	برگ بیست و یکم خانم سوسوی باید خانوان سوسوی به کجاست؟

تیره
وسوسه، فراموشی زها! ؛ این سه کاری بود که باید می شد تا
کارِ رمان تجربیه‌ی کودک و نوجوان به انجام برسد؛ و من همین کار
را کردم، فقط همین سه کار را.

پیش از هر چیز باید وسوسه شدن می کردم، یا بهتر بگویم:
وسوسه‌ی نوشتن را به جانسان می داختم... مانند ا ختم. در چنین
موقعی باید خودت بایستی کنار، فقط کمی دورتر تا وسوسه، کار
خودش را بکند. می دانم، برای بعضی از ما سخت است ایستادن کنار
ایستادن و فقط تماشا کردن. دلواپس کژ و مژ رفتن جانسان نیست
دلواپس اقتادانشان، زخمی شدنشان، دور شدنشان و... اما چاره‌ای
نیست، این واژه‌های بی نام و نشان را باید دور ریخت و کاهش داد.
من با فراموشی کاهش دادم. فراموشی همه‌ی خط کشی‌ها، تئوری‌ها،
خوانده‌ها و شنیده‌های قبلی... باید ذهنشان پاک می شد، سفید سفید!

هر چه تئوری داستان بلد بودند، گفتم بریزید دور؛ هر چه داستان و
رمان و سبک و مدل داستانی خوانده بودند، گفتم از ذهنتان پاک کنید؛
پاکِ پاک، سفیدِ سفید... باید ذهنشان سفیدِ سفید می‌شد، فراموشی
مطلق. حالا وقت رهایی بود. باید خودشان را، ذهنشان را، قلمشان را،
کیبوشان را، یا هر چیز دیگرشان را رها می‌کردند در این سفیدی
مطلق.

باید موقعی بود که تو باید پرهیزگارانۀ کناری می‌ایستادی و
تماشا می‌کردی تا این بار رهایی کار خودش را بکند. کار خودش را
کرد.

حتم داشتم می‌فکرتم. اصلش همین شد: قصه‌هایی که قصه‌های
خودشان است، شبیه خودشان، مدل خودشان، مدل «اتاق تجربه‌ی
رمان کودک و نوجوان» خودشان. دامن در این میان فقط تماشاگر
بودم، گیرم تماشاگری پرهیزگار که گاهی وسوسه‌شان می‌کرد برای
نوشتن، گاهی نهیشان می‌زد برای فراموشی. و گاهی تحریکشان
می‌کرد برای رهایی... همین؛ همین فقط: وسوسه، فراموشی، رهایی.

فریدون سمواتی
دبیر مجموعه